

نقش بصیرت دینی در عبور از فتنه‌ها

با تأکید بر دیدگاه‌های مقام معظم رهبری دام‌ظله‌تعالیه

اصغر مهری*

چکیده

نظام جمهوری اسلامی ایران در طول چهار دهه حیات طیبه و بابرکت خویش، به مدد بصیرت دینی، فتنه‌های متعدد و پیچیده دشمنان را همواره باعزت و سربلندی پشت سر گذاشته است. در منظومه فکری رهبر معظم انقلاب نیز بصیرت ملت و مسئولان نظام، عامل اساسی مهار این فتنه‌ها و همچنین بالندگی شجره طیبه نظام اسلامی شناخته شده و نیاز به بصیرت، یک ضرورت همیشگی برای ادامه حیات جمهوری اسلامی، با توجه به پیچیده‌تر شدن فتنه‌های دشمنان در مقایسه با گذشته، به شمار می‌رود. در این مقاله کوشیده شده تا به شیوه توصیفی- تحلیلی و با استفاده از منابع دینی و همچنین بیانات امام خامنه‌ای دام‌ظله‌تعالیه، نقش بصیرت دینی در عبور از فتنه‌ها تحلیل شود. نتایج، نشان می‌دهد که بصیرت با کارکردهایی که دارد، این هدف اشاره‌شده را تأمین می‌کند؛ زیرا بصیرت عامل شناخت حق از باطل، شناخت بهتر نظام جمهوری اسلامی و دشمنان آن به‌عنوان مظهر حق و باطل و همچنین اهتمام به تقویت نظام اسلامی و تضعیف دشمنان می‌شود. همچنین در این مقاله به اختصار، اصول مهمی مورد اشاره قرار گرفته که با رعایت و تقویت آن‌ها، مردم و مسئولان نظام اسلامی از بصیرت خویش مراقبت نموده و دچار غفلت و گرفتاری در سیاست‌های فریب دشمن نمی‌شوند.

کلیدواژه‌ها: بصیرت، فتنه، مقام معظم رهبری.

* دانش‌آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث و مدرس مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی دام‌ظله‌تعالیه
(Asgharmehri1393@gmail.com)

مقدمه

در گام اوّل انقلاب اسلامی، همواره دشمنان اسلام و نظام اسلامی با انواع توطئه‌ها و فتنه‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تلاش نموده‌اند تا این مانع بزرگ برای منافع استکبار را از سر راه خود برداشته و آن را نابود نمایند. اما به رغم شکست دشمنان در همه این برنامه‌ها و در مقابل، پیشرفت و بالندگی و تعمیق و حیات تازه‌تر جمهوری اسلامی ایران، این قدرت‌های استکباری و سلطه‌جو، هرگز از فتنه‌انگیزی و طراحی فتنه‌های جدید و پیچیده، برای این درخت ریشه‌دار و تنومند دست برداشته و این امید باطل را دارند که سرانجام بتوانند این نظام برخاسته از اسلام و حق و حقیقت را شکست دهند. اما آن عامل و عنصر اساسی که ماندگاری نظام اسلامی و بالندگی حیات طیبه آن را تضمین می‌کند، «بصیرت دینی» و در ذیل آن، بصیرت در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است.

در منابع و آموزه‌های دینی، نقش بصیرت دینی تا بدان حد مورد توجه قرار گرفته است که می‌توان گفت، پیشرفت همه‌جانبه و عزّت و یا وابستگی و خواری جوامع گذشته، نتیجه بصیرت-مداری و یا بی‌بصیرتی آن ملت‌ها و جوامع است. رهبر معظم انقلاب نیز در این باره، در بیانات خویش و به‌ویژه در دورانی که فتنه‌های پیچیده و عمیق، نظام را تهدید جدی می‌کرده است، همواره با تأکید بر عنصر بصیرت، عبور سرافرازانه نظام از فتنه‌های دشمنان را ناشی از بصیرت مردم و مسئولان دانسته و همچنین تحقق آرمان‌های اسلام و انقلاب اسلامی در آینده را در پرتو بصیرت افزایی قابل تحقق می‌دانند. بر این اساس پرسش مهم این است که نقش بصیرت - با عنایت به ابعاد آن- در عبور از فتنه‌های دشمنان انقلاب اسلامی و با تأکید بر دیدگاه‌های مقام معظم رهبری چگونه قابل تبیین است؟

در این پژوهش تلاش شده تا با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع دینی و همچنین دیدگاه‌های مقام معظم رهبری علیه السلام و دسته‌بندی موضوعی و تحلیل آن‌ها، پاسخ مناسبی در این زمینه ارائه شود. آثاری که در این باره نوشته شده است تنها شامل پاره‌ای از موضوعات مرتبط با موضوع پژوهش بوده و تمام ابعاد این پژوهش را در بر نمی‌گیرد؛ لذا این پژوهش اثری جامع و جدید در این زمینه می‌باشد.

۱. مفهوم شناسی

الف) بصیرت:

در لغت به معنای حجت و دلیل، عقل و زیرکی، نیرویی که قلب به وسیله آن درک می‌کند، بینایی دل، نشانه و راهنمایی که به وسیله آن‌ها اشیاء به خوبی دیده می‌شوند، به کار رفته است (نک: ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۴: ۶۵؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۲۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵: ۴۱۱؛ ج ۴: ۵۳۵). «بصیرت» برای اعتقاد حاصل شده در قلب نسبت به امور دینی و حقایق امور، زره و هر نوع سلاحی که پوشیدنی باشد، به کار می‌رفته است (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۱۷: ۱۱۷).

برخی نیز نتیجه پژوهش‌های اهل لغت را در این باره، این‌چنین آورده‌اند که یگانه معنای این ماده، علم و آگاهی به دست آمده از مشاهده عینی و یا رویت قلبی است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱: ۲۷۸). صاحب تفسیر المیزان، نیز آن را به معنای بینه و دلالتی که به وسیله آن هر چیز آن‌طور که هست دیده شود، دانسته‌اند (نک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰: ۱۰۶؛ ج ۷: ۳۰۲).

بنابراین بصیرت معنای نوعی از بینایی و شناخت حقیقت و تمییز آن از باطل است که از منبع قلب به دست می‌آید و همچنین، وجه اشتراک بصیرت و بصر در روشنایی و یقین به دست آمده از این دو می‌باشد. دیگر معانی نظیر زیرکی، هوشیاری و عبرت از لوازم بصیرت است و بدون این لوازم بصیرت معنا نمی‌یابد و پدید نمی‌آید.

در باب تعریف اصطلاحی بصیرت نیز با بررسی کاربردهای قرآنی ماده «بصر» و تفکیک اشتقاق‌های آن در دو معنای بینایی حسّی و بینایی قلبی، بصیرت را باید به همان «بینایی قلب» معنا کرد. در این تعریف، بینایی قلب، مرتبه‌ای بالاتر از بینایی و روشنایی چشم بوده و به‌گونه‌ای است که شخص می‌تواند حق را از باطل تشخیص داده و سپس واکنش مثبتی از خود نشان دهد. به‌عنوان نمونه، با ذکر واژه «بصائر»، مقصود از آن را همان دلایل و نشانه‌های روشن خدائشناسی و راهنمای سعادت آدمی دانسته که تشنگان حقیقت، با بصیرت یابی و فهم حقیقت از این کتاب آسمانی، به سود خود قدم بر می‌دارند و در مقابل، گروه نابینایان، خود را از مشاهده آن حقایق محروم ساخته و از این رو به زیان خود عمل می‌کنند (انعام: ۱۰۴).

قرآن کریم در جایی دیگر در بیان یاری و امداد الهی برای اهل تقوا، چنین بیان می‌کند که آنگاه که وسوسه‌های شیطانی پرده بر دید باطنی انسان می‌افکند، آن‌چنان که راه را از چاه و دوست

را از دشمن و نیک را از بد نمی‌شناسد، ذکر و یاد پروردگار از سوی اهل تقوا، برای ایشان آن چنان بینایی و روشنایی فراهم می‌سازد که ایشان حقیقت را از ظلمت‌ها و وسوسه‌های شیطان تشخیص داده و به همین علت هم از چنگال وسوسه‌های شیطانی نجات می‌یابند. قرآن کریم از این رهایی و هدایت به سوی سعادت با تعبیر «مبصرون» یاد کرده است (مکارم، ۱۳۸۶، ج ۷: ۶۵). در روایات نیز شناخت عمیق و اطمینان‌بخش و علمی یقینی و به‌منزله نوری است که به انسان، توانایی درک حقایق و پشت پرده حوادث را می‌دهد؛ به‌گونه‌ای که راه حق را از باطل به‌وضوح تشخیص می‌دهد و از بحران‌ها و فتنه‌ها به‌سلامت عبور می‌کند. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «فَإِنَّمَا الْبَصِيرُ مَنْ سَمِعَ فَتَفَكَّرَ وَ نَظَرَ فَأَبْصَرَ وَ اتَّفَعَّ بِالْعَبْرِ ثُمَّ سَلَكَ جَدًّا وَاضِحًا يَتَجَنَّبُ فِيهِ الصَّرْعَةَ فِي الْمَهَاوِي وَ الضَّلَالِ فِي الْمَعَاوِي» (نهج‌البلاغه: خ ۱۵۳)؛ اهل بینش کسی است که بشنود و بیندیشد و با بینش در آن درنگ کند و از رخدادها پند گیرد و بهره‌مند شود و خود را از پر نگاه‌ها نگاه دارد.

مقام معظم رهبری نیز که همواره بصیرت و بصیرت‌افزایی را نیاز همیشگی انسان و جامعه اسلامی دانسته و در این خصوص تأکید فراوان دارند، در تعریف خویش از بصیرت، پس از بیان دو لایه اصولی، زیرین و مبنایی، همچنین لایه بیرونی و در ارتباط با حوادث پیرامون انسان، مقصود از بصیرت در سطح وسیع و لایه عمیق آن را همان بصیرت توحیدی و باور درونی انسان نسبت به خداوند متعال معرفی می‌کنند که انسان را به شناخت لایه‌های بیرونی یعنی شناخت دقیق و جامع انسان از حوادث پیرامون او آگاه می‌سازد؛ بدان معنا که انسان در حوادث مرتبط با او، با درست نگاه کردن و درست تدبیر نمودن، به بینایی و فهم حقیقت دست می‌یابد.

ایشان درباره بصیرت مورد نیاز انسان در حوادث پیرامون او، معتقدند که این بصیرتی که در حوادث لازم است و در روایات و کلمات امیرالمؤمنین علیه السلام هم روی آن تکیه و تأکید شده، به معنای این است که انسان در حوادثی که پیرامون او می‌گذرد و در حوادثی که پیش روی اوست و به او ارتباط پیدا می‌کند، تدبیر کند؛ سعی کند از حوادث به شکل عامیانه و سطحی عبور نکند؛ به تعبیر امیرالمؤمنین، اعتبار کند: «رَحِمَ اللهُ إِمْرَأَ تَفَكَّرَ فَأَعْتَبَرَ»؛ فکر کند و بر اساس این فکر اعتبار کند. یعنی با تدبیر، مسائل را بسنجد - «وَ إِعْتَبَرَ فَأَبْصَرَ» - با این سنجش، بصیرت پیدا کند. حوادث را درست نگاه کردن، درست سنجیدن، در آن‌ها تدبیر کردن، در انسان ایجاد بصیرت می‌کند؛ یعنی بینایی

ایجاد می‌کند و انسان چشمش به حقیقت باز می‌شود (-http://farsi.khamenei.ir/speech-
(content?id=10456).

ب) فتنه:

بیشتر واژه پژوهان عرب، اصل فتنه را از «فتن» و به معنای داخل کردن طلا در آتش، به‌منظور ظاهر شدن مقدار خالصی از ناخالصی آن و یا به معنای سوزاندن چیزی به‌وسیله آتش دانسته و به کاربرد آن در آیات قرآنی در معانی عذاب و مجازات، آزمایش و امتحان، بلا و گرفتاری نیز اشاره کرده‌اند (راغب، ۱۴۱۲: ۶۲۳؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۳: ۳۱۷؛ فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۸: ۱۲۷). برخی نیز پس از ذکر دیدگاه‌ها، اصل معنای این ماده را آن چیزی می‌دانند که موجب اختلال به همراه اضطراب در جریان امور دانسته و بر این اساس، ایشان از مواردی نظیر اموال، اولاد، اختلاف در دیدگاه‌ها، زیاده‌روی در امور، عذاب، کفر، جنون و آزمایش، به‌عنوان مصادیق این ریشه یاد می‌کند (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۹: ۲۲).

در جمع‌بندی این دیدگاه‌ها می‌توان گفت که اصل معنای فتنه، داخل کردن طلا در کوره بوده تا خوبی و بدی آن آشکار شود. سپس به‌تدریج از این معنای محسوس به معنای معقولی نظیر آزمایش‌ها که نشان‌دهنده چگونگی صفات باطنی انسان‌ها بوده، بلاها و مجازات که باعث تصفیه روح انسان و یا تخفیف گناه شده، شدت و عذابی که متوجه مشرکان و گمراهان به دلیل شکست در آزمایش‌های الهی شده، و... توسعه معنایی یافته است. همچنین مسئله اختلال در امور را می‌توان از باب ذکر ملازمه غالبی معنای اصلی ماده دانست.

در تعریف اصطلاحی فتنه نیز می‌توان آن را بر هر امر شرّ و بدی اطلاق نمود (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۱۱۲). فتنه در بینش اجتماعی اسلام، به حرکتی اجتماعی با مجموعه خصوصیات مشخص اشاره دارد که در آن، فضای تشخیص حق از باطل با مشکل مواجه شده و لازم است با آن مقابله جدی شود. فتنه در اصطلاح، به حوادث پیچیده‌ای می‌گویند که ماهیت آن روشن نیست و ظاهری فریبنده دارد و باطنی مملو از فساد که جوامع انسانی را به بی‌نظمی، تباهی، عداوت، دشمنی، جنگ، خونریزی و فساد در اموال و اعراض می‌کشاند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۲۳۸).

مقام معظم رهبری نیز به مناسبت‌های مختلفی که از فتنه سخن گفته‌اند، در تعریف فتنه، آن را وضعیتی می‌دانند که در آن، امر باطل با حق امتزاج یافته و حق پوشیده می‌ماند:

«غالباً باطل با لباس حق یا با بخشی از حق وارد میدان می‌شود... بخشی از حق را با بخشی از باطل مخلوط می‌کنند؛ نمی‌گذارند صرف باطل و صریح باطل باشد؛ لذا مخاطبان دچار اشتباه می‌شوند؛ این را باید خیلی مراقبت کرد» (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=10456>).
 نیز در جایی دیگر می‌فرمایند:

امیرالمؤمنین علیه السلام زندگی مردم در محیط ظهور اسلام را، محیط فتنه توصیف کرده است: فی فتن دستهم بأخفافها و وطئتهم بأظلافها؛ فتنه یعنی آن فضای غبارآلودی که چشم‌های انسان قادر بر دیدن در آن فضای غبارآلود نیست؛ راه را نمی‌بینند؛ صلاح را تشخیص نمی‌دهند. این وضعیت مردمی بود که در آن منطقه‌ای پر محنت و پرملال زندگی می‌کردند.
 (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=25056>).

بنابراین مطابق آنچه گفته شد، در تعریف فتنه، آن را اموری می‌دانند که با ظهور خود، جامعه اسلامی را دچار سختی‌ها و گرفتاری‌های می‌نماید و در اغلب موارد، ریشه این امور، آمیختگی حق با باطل است؛ لعابی از حق است که روی باطل قرار داده می‌شود تا باطل قابل عرضه باشد و ساده‌لوحان آن را باور نمایند. اما در برخی موارد نیز حق و باطل مشخص بوده و باطل برای نابودی حق وارد عمل می‌شود؛ آیه ۱۰۱ سوره نساء و نیز آیه ۸۳ سوره یونس، از نمونه آیاتی است که این مسئله را تأیید می‌کند.

۲. بصیرت و فتنه

اهتمام منابع دینی به مسئله بصیرت و همچنین تأکیدهای فراوان مقام معظم رهبری بر افزایش مداوم بصیرت دینی، بدان علت است که یک ملت تنها در پرتو بصیرت می‌تواند از فتنه‌ها گذر نموده و از آن‌ها سربلند بیرون آید. در ادامه مهم‌ترین کارکردهای بصیرت در عبور از فتنه‌ها بررسی می‌شود:

۲.۱. روشنگری و تبیین ماهیت فتنه‌ها

آحاد جامعه و به‌ویژه خواص و نخبگان فکری و سیاسی وظیفه‌دارند تا بدون تعصب و بدون حاکمیت تعلقات جناحی و گروهی، حقایق و فتنه‌ها را تبیین و روشنگری نمایند. این افراد باید با حضور خود در میان مردم و غبار زایی از فضای فتنه و جداسازی حق از باطل، بر آن‌ها تأثیر بگذارند. همه وظیفه‌دارند اذهان مردم را روشن نمایند، بدون اینکه به دیگران اتهام یا تهمت‌زده و یا مصداق معرفی نمایند. قرآن کریم در این باره خطاب به مخالفان، یهود آن روز، این‌گونه بر ایشان ایراد می‌گیرد

که شما چرا باطل را با حق مخلوط می‌کنید و حق را کتمان می‌کنید، درحالی‌که باید حقیقت را بیان کنید؟ «یا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبَسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (آل‌عمران: ۷۱)؛ ای اهل کتاب، چرا حق را به باطل درمی‌آمیزید و حقیقت را کتمان می‌کنید، باینکه خود می‌دانید؟ کلمه «لبس» (به فتح لام) که فعل مضارع «تلبسون» از آن مشتق شده، به معنای القای شبهه و آرایش باطل به صورت حق و یا به‌عکس است، بنابراین می‌فرماید که ای اهل کتاب چرا حق را در صورت باطل جلوه می‌دهید؟ (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۳: ۲۵۶) آیه، در مقام بیان ذم و توبیخ بر کتمان حق است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۷۷۲).

اهمیت تبیین و افشاگری‌ها از آن جهت است که باعث می‌شود تا حرف باطل در لابه‌لای حق پنهان نشده و با جداسازی مرزها، راه درست شناخته و پیش رود. مقام معظم رهبری در این زمینه و با اشاره به سنگینی وظیفه خواص جامعه می‌فرمایند:

(وقتی) یک عامل دشمن در این فضای غبارآلوده وارد میدان می‌شود، وقتی می‌بینید عامل دشمن -که حرف او، شعار او حاکی از ما فی‌الضمیر اوست- آمد توی میدان، اینجا باید خط را مشخص کنید، اینجا باید مرز را روشن کنید. همه وظیفه‌دارند؛ بیشتر از همه، خواص؛ و در میان خواص بیشتر از همه آن کسانی که مستمعین بیشتری دارند، شنوندگان بیشتری دارند. این وظیفه است دیگر. مرزها روشن بشود و معلوم بشود که کی چه می‌گوید. این جور نباشد که باطل، خودش را در لابه‌لای گردوغبار برخاسته در میدان، مخفی کند، ضربه بزند و جبهه حق نداند از کجا دارد ضربه می‌خورد. این است که حرف دوپهلوی زدن از سوی خواص، مطلوب نیست (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8629>).

خواص و نخبگان یعنی همان صاحبان فکر و تحلیل، چهره‌هایی هستند که به لحاظ نزدیک بودن به تفکر رهبری - که نقش اساسی و زیر بنایی در انقلاب‌ها را دارد - استعداد و ظرفیت آنان به رهبری می‌پیوندند. آن‌ها به‌نوعی بین رهبری و مردم واسطه بوده و ارتباط برقرار می‌کنند و پردازش‌کننده اندیشه رهبری هستند.

خواص در زمینه‌سازی و تحقق اهداف انقلاب، در ارتباط با رهبری و مردم نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای دارند که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: الف) هدایت افکار عمومی؛ ب) ترجمان اندیشه رهبری؛ ج) تبلور اندیشه‌های رهبری؛ نوع حرکت، کردار و رفتار آن‌ها باید متناسب با دیدگاه رهبری باشد؛ د) برخورداری از محبوبیت؛ نزدیکی مردم به خواص و محبوبیت نزد افکار عمومی به دلیل

اعتبار و عشقی که به رهبر دارند (رشوند، ۱۳۸۸: ۱۰). نقش اساسی زدودن شبهه‌ها و بی‌اثر سازی فتنه‌ها را خواص و نخبگان انجام می‌دهند. نمونه‌ای از این خواص که جامعه اسلامی همواره باید الگوی خود قرار دهد، جناب عمار یاسر، از یاران باوفای امیر مؤمنان علی (ع) بود که نقش مهمی در مقابله با جنگ روانی دشمن و شبهه افکنی‌ها و تردید افکنی‌های دشمن در صف یاران امام داشت. او نمونه مثال‌زدنی از مردان با بصیرتی بود که در جنگ صفین، با مقاومت خود در برابر تبلیغات دروغین و گوناگون معاویه، شبهه‌ها، اختلافات و تردیدها را برطرف نموده و گره‌های کار را باز می‌کرد:

یکی از کارهای مهم نخبگان و خواص، تبیین است؛ حقایق را بدون تعصب روشن کنند... باید حقیقت را فهمید. در جنگ صفین یکی از کارهای مهم جناب عمار یاسر، تبیین حقیقت بود... در مقابل آن‌ها می‌ایستاد و مبالغی برای آن‌ها صحبت می‌کرد؛ حقایق را برای آن‌ها روشن می‌کرد و تأثیر می‌گذاشت. یکجا می‌دید اختلاف پیدا شده، یک عده‌ای دچار تردید شدند، بگو مگو توی آن‌ها هست، خودش را به سرعت آنجا می‌رسانید و برایشان حرف می‌زد، صحبت می‌کرد، تبیین می‌کرد؛ این گره‌ها را باز می‌کرد (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7695>).

بنابراین آنچه از نخبگان جامعه و جریان‌های سیاسی و گروه‌های سیاسی انتظار می‌رود، این است که آن‌ها در مواجهه با حوادث و فتنه‌ها، از روی بصیرت وارد شده تا بتوانند با تغییر مناسب بینش و رفتارهای مردم، وضعیت بهتری برای نظام اسلامی ایجاد نمایند. صاحبان نفوذ و فکر جامعه باید هوشیار باشند که سکوت و کنار کشیدن در موقعیت‌های فتنه آلود، خود کمک به فتنه بوده و سبب عذاب پروردگار و محرومیت از نعمت نظام اسلامی خواهد شد.

نخبگان باید مراقب باشند که کنار کشیدن آن‌ها در جایی که باید در صحنه باشند و موضع صریح و قاطع بگیرند، سبب سوء استفاده فتنه‌گران خواهد شد. در این جهت، همگان وظیفه‌دارند تا اخلاص در عمل و تقویت بصیرت و هم‌افزایی این دو، نور مشاهده واقعیت‌ها را در خود بیشتر نمایند تا با این دل‌های پاک و باصفا و نورانی، بتوانند پیچیده‌ترین فتنه‌ها را از قبل پیش‌بینی نمایند (همان).

۲.۲. شناخت حقانیت نظام جمهوری اسلامی ایران

یک نظام سیاسی، تنها زمانی می‌تواند به‌عنوان یک نظام حق و متناسب با نیازهای حقیقی انسان، ثبات و اقتدار همه‌جانبه خود را حفظ نماید که دارای شرایط زیر باشد: دارای مبانی حق و مطابق با مصالح سعادت حقیقی انسان باشد، اهداف او دارای ویژگی حق باشند و همچنین روش تحقق

اهداف خویش را از طریق حق و بدون صدمه و ضرر به دیگر نیازهای حقیقی آن‌ها دنبال نماید. فقدان تنها یکی از شرایط یادشده، سبب عدم توفیق این نظام در جلب مقبولیت و ماندگاری خود می‌شود. در ادامه به شرح هر یک از این شرایط می‌پردازیم:

۲.۲.۱. **حقانیت در مبانی و اهداف:** مهم‌ترین شاخصه حقانیت نظام جمهوری اسلامی ایران، پی‌ریزی آن بر اساس مبانی اسلام و نیازهای فطری انسان‌ها می‌باشد. یک نظام تنها با این چنین مختصاتی است که هرروز دل‌های بیشتری را به‌سوی خود جلب نموده و گذشت زمان نه تنها از درخشش آن کم نکرده، بلکه آن را برجسته‌تر نیز نموده است. مقام معظم رهبری نیز در این زمینه، دلیل حقانیت جمهوری اسلامی را در این می‌داند که خود را موظف دانسته تا انسان‌ها را از تاریکی‌های زندگی خارج کند:

بنای حکومت اسلامی این است که مردم را از ظلمات به نور ببرد... اراده دین این است که انسان را از ظلمات خودخواهی، خودپرستی، شهوت، محصور بودن در مسائل شخصی، بی‌تقوایی در برخورد با هر کس، با هر چیز و با پدیده‌های عالم خارج کند و به نور معنویت، نور هدایت و نور همت بلند برای خدا (برساند) اگر این‌طور شد، جامعه نورانی خواهد شد
(<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3076>).

ایشان در ادامه می‌فرمایند:

اعتقاد راسخ بنده این است که یکی از علل بسیار مهم و اساسی اقامه بنای جمهوری اسلامی و دوام آن در مقابل مزاحمت‌ها و اذیت‌ها و خیانت‌های صاحبان زر و زور و نوکرها و دست‌نشانده‌های آن‌ها، نورانیتی است که در باطن جمهوری اسلامی وجود دارد هم در باطن مردم، هم در مقررات، هم در باطن مجریان با اخلاص و مؤمنی که الحمدالله هستند (همان).

۲.۲.۲. **حقانیت در عرصه عمل و تأمین نیازهای انسانی:** از دیگر شاخصه‌های حقانیت یک نظام، حقانیت در عرصه عمل و به اصطلاح «کارآمدی» آن می‌باشد. یک نظام کارآمد را نظامی دانسته‌اند که با تکیه بر بینش‌ها و ارزش‌های اسلامی، توانمندی مدیریت و سامان‌دهی استعدادهای بالقوه آدمیان در عرصه‌های گوناگون و فعلیت بخشیدن به آن‌ها را داشته باشد (رودگر، ۱۳۸۶: ۴۵-۴۴). بر این اساس، نظام اسلامی دارای دستاوردهای بزرگی در سیاست، فرهنگ، اقتصاد و سلامت و رفاه عمومی بوده است هرچند باوجود این توفیقات و گام‌های بزرگ، کاستی‌هایی نیز اشاره‌شده که باید برای رفع آن‌ها همت گماشت. از جمله می‌توان به نعمت امنیت و آرامش اشاره کرد که یکی

از بزرگ‌ترین نعمت‌هایی است که ملت و مسئولان همواره باید قدردان آن بوده و ضمن مراقبت، اجازه ندهند که کسانی بخواهند این آرامش را سلب نموده و فضای کشور را متلاطم نمایند. همچنین همین کارآمدی نظام است که باعث شده تا جمهوری اسلامی با بیرون آمدن از همه آن چیزهایی که در نظام سلطه و تحت سلطه تحمیل می‌شده است، مقاومت و ایستادگی نموده و خودش را پیش برد؛ زیرا اگر غیر از این بود تا کنون نظام اسلامی بارها بلعیده شده بود:

بزرگ‌ترین دلیل کارایی این نظام، خود وجود این نظام و ماندن این نظام است. اینکه یک نظام پایستد، حرفش را صریح بزند، هیچ ملاحظه‌ای نکند، موضع قاطع خودش را با صراحت در دنیا اعلام کند، با وجود اینکه دشمنی‌ها را هم میدانیم، نه اینکه غافل باشیم از دشمنی‌ها؛ نه، ارکان نظام و مجموعه‌ی مردمی و دولتی نظام می‌دانند، در عین حال می‌ایستند؛ این خیلی مسئله‌ی مهمی است، این خیلی حادثه‌ی عجیبی است. بزرگ‌ترین نشانه‌ی کارآمدی نظام این است که توانسته خودش را در همین جهت حفظ کند؛ حالا غیر از پیشرفت‌های فراوانی که اشاره کردند.

(<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=36745>)

۲.۳. شناخت دشمنان جمهوری اسلامی ایران به عنوان مظهر باطل

دشمن در اصطلاح به کسی گفته می‌شود که به انسان زیان می‌رساند و از این کار خود هیچ باکی ندارد. قرآن کریم در این باره، واژه‌های «عدو» و «اعداء» را حدود ۲۸ بار به کار برده است. خدای متعال در این کتاب هدایت، شیطان را در کنار آدم علیه السلام، قابیل را در کنار هابیل، نمرود را در کنار ابراهیم علیه السلام، فرعون را در کنار موسی علیه السلام، جاه‌طلبان یهود را در کنار عیسی علیه السلام معرفی می‌کند تا جامعه اسلامی همیشه از وجود دشمنان و شیطان سیرت‌ها و نقشه‌ها و حیل‌های آن‌ها غافل نماند. همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت عصمت علیهم السلام نیز که در سخنان و در سیره سیاسی مبارزاتی خویش به دشمن‌شناسی بسیار توجه داشته‌اند - و به‌نوعی می‌توان گفت که دشمن‌شناسی و رفتار ایشان با دشمنان از همه درس‌آموزتر است - روایات متعددی درباره ضرورت شناخت دشمن بیان فرموده‌اند؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در باب ضرورت شناخت دشمن، ویژگی یک انسان در مسیر نجات و هدایت را، دشمن‌شناسی معرفی می‌کند: «الا و إن اعقل الناس عبد عرف ربه فأطاعه و عرف عدوه فعصاه» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۷: ۱۷۹). امیر مؤمنان علی علیه السلام نیز در این باره می‌فرماید: «هر کس نسبت به دشمن خود بخوابد (بی تفاوت باشد)، مکرها و حیل‌ها (حیل‌های غافلگیرانه دشمن) بیدارش می‌کند (آمدی، ۱۳۶۰: ج ۱: ۶۸).

دشمن موجودی است که انسان‌ها را از صراط مستقیم و راه اطاعت پروردگار بازمی‌دارد، موجودی دارای قدرت که خود را در مقابل خدای متعال قرار داده و تلاش دارد تا آدمیان را از مسیر به اصطلاح دینی، «حق» خارج ساخته و در مسیر «باطل»، گمراهی، بدبختی، ذلت و سقوط پیش برد. این صف‌آرایی میان حق و باطل که در ده‌ها آیه قرآنی نیز مجسم و مشخص شده، برای شناخت بیشتر دشمن به‌عنوان عنصر باطلی است که برخلاف سنت و فطرت حاکم بر نظام هستی حرکت می‌کند و تلاش دارد تا با هدف‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها، انسان‌ها را از مسیر حق و خیر و صلاح منحرف سازد:

حق؛ یعنی آن قانونی که منطبق است با سرشت عالم و چون با سرشت عالم و جهان منطبق است، منطبق است با سرشت انسان نیز، چون انسان هم یکی از اجزای این عالم است دیگر، چون انسان هم جزئی است از اجزای این پیکره‌ی عظیم؛ چون این جور است، چون که این قانون منطبق است با فطرت انسان و جهان، پس به خیر و صلاح او هم تمام می‌شود. باطل چیست؟ باطل آن خط‌مشی، آن قانونی، آن راه و رسمی است که برخلاف فطرت جهان و سرشت انسان وضع و جعل و انجام شده باشد. باطل آنی است که قلدرها و شیطان‌ها و آن‌هایی که می‌خواهند از این مسیر منحرف بشوند، آن‌ها درست می‌کنند (خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۳۶۳-۳۶۲).

بنابراین تمام قدرت‌های زورگویی که در جهت تلاش برای پایمال نمودن مصالح انسان‌ها و همچنین برای تضعیف و نابودی نظام به‌حق جمهوری اسلامی ایران کار می‌کنند را می‌توان مصداق و تجسم عینی باطل دانست.

در دنیای امروز، مظهر و مصداق بارز باطل و دشمنی با جمهوری اسلامی ایران که در این پهنه هستی همه هدف خود را برای نابودی حق و حقوق ملت‌ها و انسان‌ها به کار گرفته‌اند، قدرت‌های استکباری و به‌ویژه آمریکا و شبکه صهیونیسم جهانی هستند که برای سلطه‌جویی و مکیدن خون ملت‌ها، از هیچ جنایتی دست‌بردار نبوده و بلکه محیط زندگی بشر از تصرفات و عملکرد عمال استکبار در سرتاسر دنیا سرشار است؛ امام خمینی در این زمینه می‌فرمایند:

دولت آمریکا به‌عنوان قدرتمندترین کشورهای جهان، برای بیشتر بلعیدن ذخایر مادی کشورهای تحت سلطه از هیچ قدرتی فروگذار نمی‌کند. آمریکا دشمن شماره یک مردم محروم و مستضعف جهان است. آمریکا برای سیطره سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و نظامی خویش بر جهان زیر سلطه، از هیچ جنایتی خودداری نمی‌نماید (صحیفه نور، ۱۳۶۵، ج ۱۳: ۸۳).

علت دشمنی و کینه شدید آمریکا با اسلام ناب محمدی ﷺ و نظام جمهوری اسلامی ایران، این است که ملت ایران با مشت خالی و تکیه بر نیروی ایمان به خدا و اسلام، قدرت‌های پوشالی را شکست داده و دستشان را از منافع کشور خویش قطع نموده و با حرکت عظیم خود، دو ذلت بزرگ یعنی وابستگی و عقب‌ماندگی را از خود زدوده است:

آن کسانی که عقب‌ماندگی و وابستگی به نفع آن‌ها بود، در مقابل این حرکت، این انقلاب، و این نظام می‌ایستند؛ ... این‌ها دشمنی می‌کنند. آن کسانی که از وابستگی ایران به خودشان بهره می‌بردند، امروز با ما دشمن‌اند؛ دشمن خونی، آن کسانی که از عقب‌ماندگی ملت ایران منتفع می‌شدند، امروز با ما دشمن‌اند؛ دشمن خونی، دشمن آشتی‌ناپذیر. البته این دشمنی ممکن است تا قیامت طول نکشد، عَسَى اللّٰهُ اَنْ يَّجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ الَّذِيْنَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوَدَّةً؛ ممکن است یک‌وقتی اتفاق بیفتد در آینده -صدسال دیگر، پنجاه سال دیگر، نمی‌دانیم- که این دشمنی از بین برود؛ اما شرط از بین رفتن دشمنی چیست؟ اینکه او ناامید بشود یا اصلاح بشود؛ که حالا این [اصلاح شدن] بعید است، اصلاح شدن ابرقدرت‌ها بعید است. خب پس این دشمنی هست. آن درسی که ما باید بگیریم که بهنگام عمل بکنیم، آن مبنی بر این است که دشمن را بشناسیم، سمت و سوی کار دشمن را بدانیم، آن قدر بصیرت پیدا کنیم که هر حرکتی که دشمن انجام می‌دهد، بفهمیم که هدفش چیست. اگر متوجه ما و متعرض به ما است، علاج کنیم آن را، بایستیم، مقاومت کنیم؛ این وظیفه‌ی ماست (<http://farsi.khamenei.ir/speech-> content?id=35367).

شیوه‌های دشمنان برای نابودی حق و آثار آن، همان شیوه‌های باطلی است که قرآن کریم برای فریب‌کاری‌های شیطان (ابلیس) یاد کرده است. تفرقه و اختلاف، مایوس کردن ملت‌ها، سیاه‌نمایی و آینده را تاریک نشان دادن و القای احساس عقب‌ماندگی و ناتوانی، نمونه‌هایی از تلاش‌های آمریکا و دستگاه صهیونیسم است (نک: بقره: ۲۶۸؛ آل‌عمران: ۱۷۵؛ مائده: ۹۱ و ...؛ نیز: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3262>).

۲.۴. شناخت جریان نفاق در خدمت دشمنان (فتنه‌گران داخلی)

در هر مکتب و یا جامعه‌ای، برخی از پیروان، به تدریج از افکار و روحیه انقلابی‌گری عدول نموده و صف خود را از صف انقلابی‌ها جدا می‌سازند. این افراد و جریان‌ها که طیف وسیعی را شامل می‌شوند، رویگردانی خود را از توده مردم پنهان می‌دارند تا همچنان بتوانند با سوءاستفاده از اعتماد سابق آنان، به اهداف و منافع خویش دست یابند. قرآن کریم درباره این افراد، تعبیر «منافق» را به‌کاربرده

است. منافقان همان سست باوران‌اند که بر اثر دنیاطلبی و مطامع زودگذر و برای تأمین آینده سیاسی خویش، در سیری قهقرایی، از آیین اسلام دست می‌کشند. بیشتر آیات قرآن از چنین منافقانی سخن می‌گوید.

یکی از مهم‌ترین اقدامات منافقان که در آیات قرآنی حوزه نفاق سیاسی نیز به‌وضوح دیده می‌شود، همدستی و همراهی ایشان با کفار برای آسیب‌رسانی به مؤمنان و براندازی نظام اسلامی است. قرآن کریم با لحن تحکم‌آمیز خویش (کاربرد بشارت برای عذاب در آیه زیر) از این منافقان که عزت خویش را درگرو ارتباط با دشمن دانسته و می‌خواهند با تکیه بر دشمنان به عزت برسند را به‌شدت مورد انتقاد قرار می‌دهد: «بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا» الَّذِي يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَلِيَّتُهُمْ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةُ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» (نساء: ۱۳۹-۱۳۸)؛ به منافقان خبرده که عذابی دردناک [در پیش] خواهند داشت. همانان که غیر از مؤمنان، کافران را دوستان [خود] می‌گیرند. آیا سربلندی را نزد آنان می‌جویند؟ [این خیالی خام است،] چراکه عزت، همه از آن خداست.

هدف ایشان از همکاری با دشمنان مؤمنین، آن است که می‌خواهند با نفوذ در جامعه، رهبری آن را به دست بگیرند. آنان برای رسیدن به این هدف، از هر فکر و وسیله‌ای نظیر تظاهر به اخلاص، زهد و اسلام بهره می‌جویند. این در حالی است که ایشان در همراهی با نظام اسلامی و رهبری آن، سوگند یاد می‌کنند که در پی همراهی با نظام اسلامی و اثبات آن هستند؛ اما خداوند - علام‌الغیوب - پرده از کار اینان بر می‌گیرد و آنان را کسانی معرفی می‌کند که نه‌تنها از گروه مؤمنان نیستند بلکه انسان‌های بزدلی‌اند که به هنگام حوادث دنبال پناهگاه‌اند.

علت تظاهر به ایمان و ابراز دوستی با مؤمنان نیز ترسی است که از آنان دارند: «وَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنَّهُمْ لَمِنْكُمْ وَمَا هُمْ مِنْكُمْ وَلَكِنَّهُمْ قَوْمٌ يَفْرُقُونَ ﴿۵۷﴾ لَوْ يَجِدُونَ مَلْجَأًا أَوْ مَغَارَاتٍ أَوْ مَدَخَلًا لَوَلَّوْا إِلَيْهِ وَهُمْ يَجْمَحُونَ» (توبه: ۵۷-۵۶)؛ و به خدا سوگند یاد می‌کنند که آنان قطعاً از شما نیستند، درحالی‌که از شما نیستند، لیکن آنان گروهی هستند که می‌ترسند. اگر پناهگاه یا غارها یا سوراخی [برای فرار] می‌یافتند، شتاب‌زده به سوی آن روی می‌آوردند.

مصادیق فراوانی از همکاری و هماهنگی آشکار و پنهان جریان نفاق امروزی با قدرت‌های بیگانه رامی‌توان برشمرد که از آرمانهای انقلابی خویش رویگردان شده و با دشمنان ملت هم‌پیمان شده‌اند.

سردادن شعار انقلابی بودن و خط امامی بودن و خلاف آن عمل کردن، ادعای اعتقاد و پایبندی به ولایت فقیه و لکن عدم پیروی و فقدان التزام عملی، استفاده ابزاری از نمادهای مقدّس همچون رنگ سبز برای دستیابی به قدرت و منافع مادی، ادعای قانون گرایی و لکن دست زدن به قانون شکنی و قانون گریزی و تلاش برای تغییر قانون اساسی و تضعیف نهادهای قانونی، مخالفت با اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر، توطئه چینی در تضعیف موقعیت انقلاب اسلامی، شایعه پراکنی، دروغ گویی، مانند ادعای تقلب در انتخابات، امام زدایی، تمسخر دیگران، بر هم زدن نظم و انسجام و اتحاد مردم، تضعیف باورهای دینی و ارزش‌های اسلامی و ایجاد تردید و تشکیک در آن‌ها نمونه‌هایی از این دست هستند.

۵.۲. تقویت نظام جمهوری اسلامی

از مقایسه نظام اسلامی و دیگر نظام‌ها، در می‌یابیم که راز عزّت و سربلندی نظام اسلامی در ماهیت اسلامی نظام و حرکت در قالب احکام دین و قرآن نهفته است. بر این اساس انسان‌های با بصیرت، با درک تکلیف خویش در قبال نظام اسلامی و حضور فعال در صحنه‌های دفاع و پیشرفت، همه تلاش خود را برای تقویت آن به کار می‌گیرند. در ادامه برخی از عوامل تقویت و رشد نظام جمهوری اسلامی بررسی می‌شوند:

۵.۲.۱. تبعیت محض از ولی فقیه و رهبر جامعه اسلامی

جامعه دارای ولایت به مانند مرده‌ای است که جان گرفته است. جامعه دارای ولایت، جامعه‌ای است که تمام استعداد های انسانی را رشد می‌دهد؛ همه چیزهایی که خدا برای کمال و تعالی انسان به او بخشیده این‌ها را بارور می‌کند، نهال انسانی را بالنده می‌سازد. عزّت و اقتدار نظام اسلامی و باز شدن گره مشکلات، مرهون وجود ولی فقیه‌ای است که دنباله‌رو ولایت معصومین علیهم‌السلام است و تلاش می‌کند تا با نزدیک نمودن روزبه‌روز این نظام به مبانی اسلام، رسالت الهی خویش را که امتداد راه امامان معصوم علیهم‌السلام است به جای آورد؛ مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرماید:

رهبری در جامعه اسلامی ایران گره‌گشا است. مشکلات را علاج دولت به دست رهبری حل می‌شود. آنجایی که (دشمنان) می‌خواهند مردم را مأیوس کنند، رهبری است که به مردم امید می‌دهد. آنجایی که یک توطئه سیاسی بین‌المللی را می‌خواهند برای ملت ایران به وجود بیاورند، رهبری است که قدم جلو می‌گذارد، تمامیت انقلاب را در مقابل توطئه قرار می‌دهد و دشمن را وادار به عقب‌نشینی می‌کند. آنجا که می‌خواهند بین جناح‌های گوناگون مردم اختلاف ایجاد کنند، رهبری

است که دست‌ها را در دست همدیگر می‌گذارد و مایه الفت و مانع تفرقه می‌شود.
(<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2860>).

بنابراین تبعیت و پیروی از ولایت فقیه نقش مهمی در موفقیت اصلاحات صحیح اجتماعی دارد. اصل ولایت فقیه و اطاعت از رهبری، همان ذخیره پایان‌ناپذیری است که باید مشکلات نظام جمهوری اسلامی را در حساس‌ترین لحظات و خطرناک‌ترین گردنه‌های مسیر پرخطر جمهوری اسلامی حل کند و گره‌های ناگشودنی را بگشاید (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2247>). این‌گونه است که باتدبیر رهبری انقلاب، نظام اسلامی از گردنه‌های دشوار و بحران‌های عظیم، به سلامت عبور نموده و ضمن موفقیت در امتحانات الهی، نظام اسلامی بالنده‌تر و شکوفاتر می‌شود. بنابراین ملت ایران وظیفه دارند که قدر نعمت ولی فقیه و اسلام را دانسته و تکلیف خود را در پیروی و اطاعت از ایشان همراه با وفاداری و اخلاص، به شایستگی انجام دهند؛ چنان‌که رهبر معظم انقلاب در مواضع متعدد قدردانی خود را از این ملت با بصیرت ثابت کرده‌اند.

ملت ایران برای قدردانی از نعمت ولایت فقیه و ابراز وفاداری به ایشان در همه شرایط و توطئه‌ها و فتنه‌های پیش روی نظام اسلامی، کافی است به وضعیت خیلی از ملت‌هایی بنگرند که از حضور آمریکا و نفوذ استکبار و ایجاد پایگاه‌های نظامی و دخالت‌های اقتصادی و ترویج فرهنگ بیگانه در کشورشان، دل‌هایشان پُر است و ناراحت و ناراضی هستند و اما جرئت نفس کشیدن و قدرت اقدام کردن ندارند؛ دلیل این امر آن است که یک فرد رهبر و راهنما برای حرکت در میان آن‌ها نبوده و وضعیت اختناق به‌گونه‌ای است که اجازه‌ی تکان خوردن به آن‌ها را نمی‌دهد. کشورهای مرتجعی که به آمریکا وابسته‌اند، غالباً از این قبیل هستند (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2211>).

۲. ۵. ۲. هدایت فتنه زدگان و افراد غافل در فتنه‌ها

جهل و ناآگاهی مردم گرفتار در فتنه، یکی از مهم‌ترین عواملی است که موجب می‌شود تا دشمنان با به‌کارگیری مهارت‌های پیچیده خویش و با تغذیه فکری و روانی این افراد غافل، از ایشان پایگاهی برای خودساخته و بیشتر در امواج فتنه‌ها جولان دهند (نهج البلاغه: خطبه ۱۷). سران فتنه با تمرکز بر شهوت‌ها و امیال غریزی مردم و همچنین با بهره‌مندی از پیشرفته‌ترین تبلیغات و ابزارهای نفوذ بر ذهن و فکر بشر، تلاش می‌کنند تا با ارائه تفسیرهای غلط از دین و بدعت در احکام دینی، این افراد جاهل را نادانسته وارد میدان نموده و به دنبال آن، زمینه تفرقه‌ها و گرفتاری‌ها و تبدیل

جامعه به جامعه‌ای فتنه زده و با مختصات عصر جاهلی را فراهم نمایند (نهج البلاغه: خطبه ۵۰؛ نیز: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=10552>).

بر این اساس، ممکن است بسیاری از افرادی که در فتنه‌ها خود را در صف دشمنان و مخالفان انقلاب و نظام اسلامی قرار می‌دهند، متأثر از تبلیغاتی باشند که فضای ذهنی ایشان را تصرف نموده و موجب غفلت آنان از حقیقت شده است. اینان فریفته‌ی شعارهای زیبا و فریبنده فتنه گران شده و مانند آنان آگاهانه دست به کار نشده‌اند. اما مهم‌ترین راه برای هدایت این افراد غفلت زده و بازگشت آن‌ها به آغوش نظام، دعوت عقلانی و عاطفی متناسب با شخصیت علمی و رفتاری آنان است.

مطالعه سیره سیاسی- اجتماعی انبیای الهی نشان می‌دهد که این بزرگواران نسبت به کسانی که از روی غفلت و نادانی از شناخت حق بازمانده و با رفتن به صف دشمن، زمینه دشمنی و مبارزه بیشتر بر ضد حق را فراهم می‌کرده‌اند، بسیار تلاش می‌نموده‌اند تا با هدایت‌ها و راهنمایی‌های عقلی، غفلت را از ایشان دور سازند (یونس: ۸۱). بر این اساس گاه برای همین افراد فتنه‌زده‌ای که مدعی‌اند اصول اسلام و انقلاب و حضرت امام علیه السلام را دنبال می‌نمایند، می‌توان با ارزیابی سخنان ایشان و سوءاستفاده دشمنان از آن‌ها، اینان را اینگونه هشجاری داد که بدون توجه به فضاهای تبلیغاتی مسموم دشمن، به عقل سلیم خویش مراجعه نمایند تا عیب کار خود را فهمیده و اصلاح نمایند:

آیا می‌شود به بهانه عقلانیت این حقایق روشن را ندیده گرفت، که ما عقلانیت به خرج می‌دهیم. این عقلانیت است که دشمنان این ملت و دشمنان این کشور و دشمنان اسلام و دشمنان انقلاب، شما را از خود بدانند و برای شما کف و سوت بزنند، شما هم همین‌طور خوشتان بیاید، دل خوش کنید؛ این عقلانیت است؟ (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8513>).

عقل آن چیزی است که راه عبادت خدا را هموار می‌کند. از این‌رو در جریان فتنه‌ها، می‌توان به میزان اخلاص خود در گفتارها و حرف‌ها و رفتارها، به‌عنوان یکی از نشانه‌های عقل توجه نماییم و خود را فریب ندهیم (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7435>).

همچنین گاه می‌توان با توجه عاطفی به آنان، نتایج بسیار خطرناک این کار را که موجب از دست رفتن همه زحمات و خدمات انقلابی ایشان و بلکه دشمنی با انقلاب می‌شود، را به آنان گوشزد نموده تا به خود بیایند و از گذشته کسانی که پیش از ایشان به مبارزه با انقلاب پرداختند و آخر کارشان به دشمنی با امام و انقلاب کشیده شد، عبرت گرفته و بیدار شوند (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7190>).

آرمان عبارت است از آن حقیقت مطلوب که اشتیاق وصول به آن، محرک انسان است و او را به انجام کارها و انتخاب وسیله‌هایی سوق می‌دهد که آن حقیقت را قابل وصول می‌نماید. آرمان‌گرایی و ترسیم اهداف متعالی دست‌یافتنی، از جمله مقولاتی است که مقام معظم رهبری با طرح آن‌ها، هم ملت و مسئولان را متوجه امکان دستیابی به آن چیزهایی که دیگران آرمان و آرزوهای دیرینه بشری می‌دانند، دانسته و هم اینکه می‌خواهند تأکید کنند که باید همین مرتبه نازل‌تر این آرمان‌ها در نظام اسلامی تحقق‌یافته و باید ملت و نظام با حرکت خود آن‌ها را به‌طور کامل تحقق بخشند و البته باید از لابه‌لای موانع و مشکلات سر راه نیز راه را پیدا کرد: «آنچه موجب شوق به پیشرفت و حرکت در ملت‌ها می‌شود، آرمان‌ها هستند و هرچه این آرمان‌ها والاتر، مجرب‌تر و نورانی‌تر باشند، حرکت صحیح‌تر خواهد بود» (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=38277>).

آرمان‌گرایی و تلاش برای تحقق آرمان‌هایی نظیر عزت ملی، اعتماد به نفس ملی، استقلال همه‌جانبه، آزادی، پیشرفت مادی و تمدنی، رشد اخلاق معاشرتی که با فطرت و نیازهای او متوازن و هماهنگ می‌باشد، مهم‌ترین راز ماندگاری انقلاب اسلامی در طول این چهل‌ساله خویش و حیات و تازگی و پویایی بیشتر و بهتر آن در سطح منطقه و جهان است؛ چون به همه نیازهای گوناگون فطرت بشری توجه دارد. مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرماید:

امروز حرکت انقلاب، هدف‌های انقلاب، همان چیزهایی است که در روز اول ترسیم شد و امام بزرگوار و حکیم ما آن‌ها را ترسیم کرد. این هدف‌ها با فطرت مردم هماهنگ بود، لذا مردم آن را گرفتند؛ والا دل میلیون‌ها مردم را به یک سمتی متوجه کردن، کار عادی‌ای نیست. وقتی کسی با فطرت سخن می‌گوید، از خدا حرف می‌زند، فطرت‌ها به او متوجه می‌شود؛ «لو انفقت ما فی الأرض جمیعا ما آلت بین قلوبهم و لکن الله آلف بینهم» دست قدرت خداست که دل‌ها را به یک سمتی هدایت می‌کند؛ لذا نتیجه این می‌شود... این چه حقیقتی است که گذشت زمان آن را خاموش نمی‌کند، بلکه روزه‌روز برجسته‌تر می‌کند؟ مثل حادثه‌ی کربلا... انقلاب این‌جوری است. این انقلاب هرچه زمان گذشته است، حقائق بیشتری را روشن کرده است (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3463>).

بنابراین مطالبه از مسئولان برای تحقق آرمان‌های نظام اسلامی، سد محکمی است که مانع از انحراف ذهن‌ها از عزت جمهوری اسلامی و توجه به الهی بودن این نعمت بزرگ است. به همین جهت است که از نگاه رهبر معظم انقلاب، راه جلوگیری از تهاجم ضدانقلاب در دیکتاتوری جلوه

دادن نظام و ناموفق جلوه دادن آن، طرح آرمان‌ها، مطالبه و تکرار آن‌ها می‌باشد: «آنچه من بر آن تأکید می‌کنم، این است که ما امروز در جامعه‌مان نیاز مبرم داریم به اینکه آرمان‌ها را مدام تکرار کنیم، مدام بگوییم، مدام روی آن کار کنیم، مدام مطالبه کنیم. این مطالبه‌گری خیلی چیز خوبی است» (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=39796>).

۲.۶. جهاد و مبارزه با دشمنان جمهوری اسلامی

یک واقعیت غیرقابل تردید درباره دشمنان حق و اسلام و جمهوری اسلامی این است که آن‌ها همیشه خود را در میدان مبارزه علیه مسلمانان دیده و برنامه‌ریزی و تلاش می‌کنند تا بر جبهه اسلام ضربه وارد سازند. قرآن کریم در این باره اشاره می‌کند که جریان باطل، هرگز از مبارزه با حق دست بردار نبوده تا بر او مسلط شود؛ بنابراین ناسزا، بدگویی، شکنجه و هر آنچه یک دشمن غالب بر مغلوب روا می‌دارد را انجام داده تا آن‌ها را از دینشان برگردانده و در قدرت خود هضم نمایند (ممتحنه: ۲)؛ مشرکین علی‌رغم این مودت‌ها که بعضی از مؤمنین اعمال می‌دارند، اگر به ایشان دست یابند، دشمنی خود را اعمال می‌کنند؛ بدون اینکه دوستی‌های مؤمنین تغییری در دشمنی آن‌ها داده باشد. اگر کفار و مشرکین بر مؤمنان دست یابند، دشمن آن‌ها خواهند بود و دست و زبان خود را به بدی به سوی آن‌ها دراز می‌کنند و دوست می‌دارند که آن‌ها کافر شوند، هم‌چنان‌که در مکه مؤمنین را شکنجه می‌دادند و به این امید که شاید از دینشان برگردند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۹: ۲۲۸).

بنابراین مسلمانان این واقعیت روشن و غیرقابل تردید را همواره به یاد داشته باشند که چه بخواهند و چه نخواهند، دشمن با آن‌ها در ستیز دائمی بوده و چه بهتر که با آمادگی و تجهیزات کامل در صحنه جهاد و مبارزه حاضر شده و موقعیت دشمن را در هر شرایطی به خطر انداخته و آرامش خاطر را از آنان سلب نمایند. در غیر این صورت، یعنی اگر به خود نیابند و ضربه به جبهه کفر وارد نکنند، قهراً باید ضربات پی‌درپی جبهه کفر را دریافت کنند.

تحقق این وعده الهی در نابودی استکبار و دشمنان باطل و کینه‌توز جمهوری اسلامی، یکی از سنت‌های ثابت و تغییرناپذیر الهی است که در همه زمان‌های تاریخ حیات بشری جریان دارد. قرآن کریم در این زمینه، با اشاره به رویارویی و معارضة حضرت موسی علیه السلام با ساحران، این حقیقت را از زبان ایشان بیان می‌کند که (سحر و) هر امر باطلی، از آنجاکه از جریان نظام عالم خارج است و بنا

بر سنت الهی مبنی بر استقرار و احقاق حق و محو و ابطال باطل، آن امر باطل دوامی نخواهد داشت: «فَلَمَّا أَلْقَوْا قَالَ مُوسَىٰ مَا جِئْتُمْ بِهِ السَّحْرُ إِنَّ اللَّهَ سَيُبْطِلُهُ إِنَّ اللَّهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ» (یونس: ۸۱)؛ همین که انداختند موسی گفت: اینها که شما برای مبارزه با من آورده‌اید سحر است و خدا به‌زودی باطلش می‌کند، چون خدا عمل مفسدان را اصلاح نمی‌کند.

علامه طباطبایی در تبیین سنت احیای حق و نابودی باطل بیان می‌دارند که اثر عمل فاسد این است که برخلاف عمل حق، مناسب و ملایم با سایر حقایق عالم در مقتضای طبع آن‌ها نباشد و در جریان آن حقایق طبق طبعی که دارند این یک عمل برخلاف آن جریان حرکت کند، پس چنین عملی فی‌نفسه امری است استثنایی و معلوم است که اگر با حفظ فسادش، خدای تعالی بخواهد آن را اصلاح کند، باید کل نظام را فاسد سازد و کل اسباب و حقایق عالم را بر طبق مسیر آن یک عمل فاسد به جریان اندازد و چون چنین چیزی ممکن نیست، قهراً سایر اسباب عالم با همه قوا و وسایل مؤثرش با آن عمل فاسد معارضه می‌کند، اگر توانست آن را به سیره صالح برمی‌گرداند و گرنه به‌طور قطع آن را باطل و فانی و از صفحه وجود محو می‌سازد (نک: طباطبایی، ۱۴۱۴، ج ۱: ۱۱).

بنابراین ملت ایران و مسئولان نظام اسلامی، با احساس قدرت از عمق دل و جان خود و با بیداری و ایمان و مبارزه با دشمن و استقامت در برابر او، دشمن را در همه مراحل شکست خواهد داد و اجازه نخواهد داد که آمریکا، مطامع و هدف‌های خود را در این کشور تعقیب کند. این سنت الهی است که دشمن کافر با شما مواجه بشود، حتماً مجبور به عقب‌نشینی است (فتح: ۲۲-۲۳؛ <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2140>).

برای استحکام قدرت نظام جمهوری اسلامی ایران در مبارزه با دشمنان، عوامل بسیار مهم و تأثیرگذاری وجود دارند که در اینجا به دو عامل وحدت ملی و مشارکت عمومی اشاره می‌شود:

۲.۶. ۱. حفظ وحدت ملی و دوری از اختلاف و تفرقه

آنچه باعث حفظ یک نظام و مصالح آن می‌شود، وحدت و همدلی ملت و مردم و دوری ایشان از اختلاف و تفرقه است. همدلی، همفکری و همکاری موجب می‌شود تا یک نظام سیاسی به پیشرفت و عزت دست یابد و دشمنان خود را ناامید سازد. بر همین اساس است که خداوند متعال با یادآوری ضرورت پیروی از پیشوا و رهبر در برنامه مبارزه با دشمنان و حفظ همبستگی و همدلی،

همه مسلمانان را به نسبت با اختلاف آفرینی و تفرقه افکنی هشدار می‌دهد؛ زیرا که موجب ضعف اراده، از دست دادن نیروی مبارزه با دشمن و عزت و شوکت مسلمانان می‌شود: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَتَّزِعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (انفال: ۴۶)؛ و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید و با هم نزاع نکنید که سست شوید و مهابت شما از بین برود، و صبر کنید که خدا با شکیبایان است. واژه «ریح» در آیه، به معنی باد است و اینکه می‌فرماید:

اگر به نزاع با یکدیگر برخیزید سست می‌شوید و به دنبال آن، باد شما را از میان خواهد برد، اشاره لطیفی به این معنی است که قوت و عظمت و جریان امور بر وفق مراد و مقصودتان از میان خواهد رفت زیرا همیشه وزش بادهای موافق سبب حرکت کشتی‌ها به سوی منزل مقصود بوده است و در آن زمان که تنها نیروی محرک کشتی، وزش باد بود این مطلب فوق‌العاده اهمیت داشت. افزون بر آن، وزش باد به پرچم‌ها نشانه بر پا بودن پرچم که رمز قدرت و حکومت است می‌باشد و تعبیر فوق نیز کنایه‌ای از این معنی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷: ۱۹۶).

چنانچه در نظام اسلامی، وحدت کلمه به معنای واقعی خودش در آحاد ملت و گروه‌ها و احزاب سیاسی کشور رعایت شود، قدرت دفاعی و اقتدار ملی تقویت می‌شود. همچنین اتحاد و همگامی مردم و اعتماد و پشتیبانی آن‌ها از نظام سیاسی، مهم‌ترین عامل پیشرفت و آسیب‌ناپذیری آن نظام به شمار می‌رود و یک چنین نظامی تحت هیچ بیرقی جز بیرق اسلام نخواهد رفت.

همگامی و همدلی مردم با نظام سیاسی و اتحاد آن‌ها، علاوه بر آنکه نعمت بزرگ خداوند و یک فریضه است، آثاری همچون اعتماد مردم به مسئولان، برطرف شدن مشکلات، برملا شدن توطئه‌های دشمنان و حاصل شدن کشوری نمونه، آباد و پیشرفته را به همراه دارد که شایسته‌ی این چنین ملتی است (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2741>). بنابراین حفظ وحدت از اوجب واجبات برای مسئولان و کارگزاران و یکی از اساسی‌ترین خواسته‌های یک ملت است؛ زیرا «اگر کشور بخواهد به سمتی که برای آن مطلوب است - چه از لحاظ اقتصادی، چه از لحاظ سیاسی، چه از لحاظ معنوی یا سطح علم و سواد- پیشرفت بکند، به محیط آرام و بی تشنج احتیاج دارد» (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3036>).

۲.۶.۲. مشارکت حداکثری مردم در سرنوشت نظام اسلامی

یک نظام سیاسی هر اندازه از مشارکت عمومی و سیاسی برخاسته از تعلیم و تربیت سیاسی در اداره امور جامعه خویش برخوردار باشد، به همان میزان از مقبولیت بیشتری بهره‌مند می‌شود.

بدین معنا که مردم با مشارکت در سرنوشت مشترک خود، خویشتن را با حکومت و سازمان اجرایی جامعه، هماهنگ و در تعادل می‌بینند و حکومت نیز در پیشبرد امور، به اعمال زور، خشونت و قوه قهریه نیازی نداشته و ثبات، تداوم، بقا و ماندگاری آن نظام سیاسی تضمین خواهد شد.

هرچه مشارکت در جامعه فراگیرتر باشد، رفتار افراد در جامعه بهنجارتر، عقلانی‌تر و منطقی‌تر می‌شود. مشارکت، بیگانگی اجتماعی را تقلیل می‌دهد و از ایجاد اثرات منفی روانی در مردم مانند بی‌اعتمادی، بی‌تفاوتی، تکروری و عدم وجود تعاون و تحرک و توجه به منافع شخصی، جلوگیری می‌کند، در مقابل، همبستگی ملی را تقویت می‌کند. بر این اساس:

در تفکر دینی، اساس حاکمیت دین و نفوذ دین و قدرت دین، در اعمال آن روش‌های خودش در رسیدن به اهدافش به چیست؟ تکیه اصلی به چیست؟ به مردم است. تا مردم نخواهند، تا ایمان نداشته باشند، تا اعتقاد نداشته باشند، مگر می‌شود؟ پیامبر را اگر مردم مدینه نمی‌خواستند و بارها سراغش نمی‌رفتند، مگر به مدینه می‌آمد و جامعه مدنی تشکیل می‌شد؟ پیامبر که با شمشیر نرفت مدینه را بگیرد (http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7571).

مشارکت حداکثری و بسیار بالای مردم عزیز ایران در سرنوشت نظام اسلامی، که در حقیقت در هیچ نظام سیاسی دیگر نمی‌توان نمونه و نظیری این حضور و تکلیف شناسی را یافت، ریشه در پیوند دینی مردم با نظام دارد به‌گونه‌ای که آن‌ها نظام را از خود دانسته و اهداف و برنامه‌هایی آن را همان اهداف و برنامه‌های اسلام برای سعادت بشر و رشد و کمال او دانسته و آنها را خواست حقیقی خود می‌دانند. بنابراین، انتظار همین مشارکت و بلکه حرکت و موفقیت نظام، به برکت تقویت ایمان و معنویت‌افزایی ملت ادامه خواهد یافت. بنابراین همه وظیفه‌دارند تا این قدرت ایمان و تقوا را در خود تقویت نموده و هرگز از معجزه‌گری ایمان غافل نشوند:

ایمان دینی، آن معجزه‌گری است که قادر است اولاً همه مردم را بسیج کند و بیاورد؛ ثانیاً آن‌ها را در صحنه نگه دارد و ثالثاً سختی‌ها را برای آن‌ها هموار و آسان کند؛ هیچ ایمان دیگری این خصوصیت را ندارد. ایمان دینی می‌گوید شما اگر چنانچه فائق شدید و پیش بروید، پیروزید؛ اگر کشته هم شدید پیروزید؛ اگر زندان هم افتادید پیروزید؛ چون به وظیفه عمل کردید. وقتی کسی یک چنین اعتقاد و ایمانی داشت، دیگر شکست برایش معنا ندارد؛ لذا وارد میدان می‌شود (http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=18361).

۳. اصول بصیرت افزایی در برابر دشمنان

یک نکته در ارتباط با نفس و دشمنان این است که هرگز نباید از سیاست فریب آنان در پوشش دوستی و خیرخواهی با هدف وارد آوردن بهترین و بیشترین ضربه‌ها غفلت نمود. از این رو اهم اصولی که به واسطه آنها می‌توان از بصیرت خویش در برابر دشمنان (نفس و دشمنان بیرونی) مراقبت نموده و آن را تعمیق داد، به صورت گذرا اشاره می‌شود:

۳.۱. تقویت مداوم قدرت تحلیل سیاسی

ثبات قدم و استواری نظام اسلامی نیز ارتباط مستقیم با قدرت تحلیل درست از اوضاع و امور جاری کشور و همچنین شناخت شگردهای دشمنان انقلاب اسلامی دارد. هر اندازه قدرت تحلیل و موقعیت‌شناسی مردم بالاتر باشد، قوت حضور آنها در صحنه‌های مختلف انقلاب بیشتر خواهد بود. مقام معظم رهبری در این باره فرموده‌اند:

اگر ملتی قدرت تحلیل خودش را از دست بدهد، فریب و شکست خواهد خورد. اصحاب امام حسن، قدرت تحلیل نداشتند؛ نمی‌توانستند بفهمند که قضیه چیست و چه دارد می‌گذرد. اصحاب امیرالمؤمنین، آنهایی که دل او را خون کردند، همه مفروض نبودند؛ اما خیلی از آنها - مثل خوارج - قدرت تحلیل نداشتند. قدرت تحلیل خوارج ضعیف بود
(<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2442>).

بنابراین اهل بصیرت باید مراقب باشند که به همان اندازه که تلاش برای رشد و تعمیق مبانی جمهوری اسلامی و عزت و قدرت و کارآمدی نیاز است، همان قدر نیز باید نسبت به پیچیدگی بیشتر توطئه‌های دشمنان و تلاش آنها برای تغییر و دگرگونی فضای جوامع از طریق شیوه‌های تبلیغاتی و حرف‌های انبوه خلاف واقع، هشیار بود: «هر چه ما در نظام جمهوری اسلامی توانستیم ریشه خودمان را عمیق‌تر کنیم و پیش‌تر برویم و کارهایمان را پیچیده‌تر بکنیم، توطئه‌ی دشمن هم پیچیده‌تر شده است؛ این را باید توجه داشت» ([http://farsi.khamenei.ir/speech-](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8094)
([http://farsi.khamenei.ir/speech-](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8094))).

۳.۲. عدم خوش‌بینی به دشمنان و اعتماد به آنان

مهم‌ترین صفت و خصیصه‌ای که قرآن کریم برای مخالفان و دشمنان راه حق، در طول تاریخ حیات بشری یاد می‌کند، استکبار و خودبرتربینی ایشان در برابر حقایق و ارزش‌ها بوده که موجب می‌شود تا دشمنان هدف خود را برای سیطره قلدرا نه بر ملت‌ها و استثمار آنها، دخالت و دست‌اندازی در

ثروت آنان و اهانت به فرهنگ‌ها و سنت‌ها متمرکز نمایند (نک: سبأ: ۳۵-۳۴؛ عنکبوت: ۳۹؛ قصص: ۷۸-۷۷).

جریان استکبار با اتکای بر توانایی‌های سیاسی، نظامی، علمی و اقتصادی و با هدف تقویت این توانایی‌ها در جهت مبارزه با حق و نابودی این جبهه و در تعامل با دیگر ملت‌ها و دولت‌ها، به دنبال «استضعاف» آن‌ها برای نفوذ و استیلای هر چه بیشتر قدرت مادی خویش در دنیا بوده (ابراهیم: ۲۱؛ سبأ: ۳۲-۳۱) و با خودبرتربینی و غصب حقوق مردم زیردست و جذب نیروهای آنان، تلاش می‌کند تا مردم را به خود وابسته نموده و مانع از استقلال فکر و اراده ایشان شوند (نک: اعراف: ۷۷-۷۵؛ سبأ: ۳۲؛ بقره: ۴۹؛ یونس: ۷۵). این‌گونه است که دشمنان به سلطه‌جویی عادت کرده و لحظه‌ای از تلاش برای استثمار سرمایه‌های مادی و معنوی انسان‌ها دست‌بردار نیست:

قدرت‌های مادی، حدی برای خود قائل نیستند، زندگی ملت‌ها در زیر پنجه‌های قدرت قدرت‌های مادی مثل زندگی معنوی آن‌ها در هم کوبیده می‌شود. وضعیت کنونی نظام بین‌المللی این‌گونه است که قدرت‌های بزرگ تمایل دارند که ملت‌ها بدون اجازه آن‌ها نفس نکشند و ثروت، منابع و معادن برای این‌ها باشد (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3416>).

بنابراین به تعبیر مقام معظم رهبری، بصیرت نسبت به خوی استکباری آمریکا و رژیم صهیونیستی و پایان‌ناپذیری دشمنی آنان با ملت اسلامی، یک شاخص مهم است که لازم است آن را برای همیشه حفظ نموده و انسان اگر صدها بار شکر خدا را بکند، حقش را به‌جا نیاورده است (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=10832>).

۳.۳. زمان‌شناسی و عمل به تکلیف الهی در دوران فتنه

زمان‌شناسی، شناخت لحظه‌ها و درک انسان از ارزش زمان و لحظات عمری که به‌سرعت سپری می‌شود، عامل مهمی برای بهره‌مندی کامل از فرصت‌های زمانی موجود و دور ساختن غم و اندوه طولانی ناشی از بیهوده صرف کردن فرصت‌هاست.

برای جامعه اسلامی نیز درک ارزش زمان‌های در اختیار او، نقش بسزایی در برنامه‌ریزی‌ها و تلاش برای پیگیری اهداف و حتی تبدیل تهدید و دشمنی‌های دشمنان به فرصت‌هایی بهتر برای رشد و پیشرفت دارد. اساساً ویژگی برجسته اولیای الهی و بلکه انسان‌های بزرگ در همه تاریخ، این بوده که در زمان و لحظه‌ی لازم، صحبت لازم، اقدام لازم و بلکه حرکت لازم را از دست نمی‌داده‌اند. امام خامنه‌ای (مدظله) نیز که در سخنان خویش بر مسئله شناخت زمان و حساسیت بر انجام وظیفه در

زمان‌های لازم و موقعیت‌های فتنه و توطئه، تأکید دارند، وقوع حادثه عاشورا را نمونه‌ای عبرت‌آموز از غفلت جامعه اسلامی عصر ایشان از اصل زمان‌شناسی می‌دانند. اگر گروه توأبین کوفه که دل‌هایشان پر از ایمان به امام حسین علیه السلام بود لحظه را می‌شناختند، ممکن بود، حادثه عاشورا به صورت دیگری رقم بخورد (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8629>). بر این اساس، در شرایط حسّاس فعلی کشور نیز درک صحیح مسئولان و مردم از حساسیت اوضاع و اقدام بهنگام، زمینه را برای ریشه‌کن‌سازی فتنه‌ها و عدم بروز مسائل و مشکلات بعدی فراهم می‌نماید.

۳.۴. خود باوری و اعتماد به نفس ملی

خودباوری و نیروی اعتماد به خدا، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها معنوی است که در کنار جوشش استعدادها و سرمایه‌های انسانی و مادی یک ملت، می‌تواند آن‌ها را در دنیا به یک قدرت و نیروی خودکفا و تأثیرگذار تبدیل نماید. ملّتی که اسلام را با تمام وجود قبول دارد و خود را باور داشته باشد، به خدای خود اعتماد داشته باشد، هیچ مانعی نمی‌تواند از پیمودن راه کمال در برابر او جلوگیری کند (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=9551>).

قرآن کریم در این زمینه، با نهی از سستی و حزن و اندوه مؤمنان در مقابل کفّار که در جنگ احد، بیشترین صدمات را به مؤمنین زده بودند، بیان می‌دارد که شما با نیروی ایمان به خدا، دارای قدرتی هستید که هیچ قدرتی نمی‌تواند بر شما غلبه نماید؛ بنابراین دلیلی برای سستی و اندوه باقی نمی‌ماند و اگر شما جراحت و صدمه دیده‌اید، دشمنان هم صدمه دیده اند: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران: ۱۳۹)؛ شما مسلمانان نه در کار دین سستی کنید و نه از فوت غنیمت و متاع دنیا اندوهناک باشید؛ زیرا شما فاتح و پیروزمندترین مردم و بلندمرتبه‌ترین ملل دنیا هستید، اگر در ایمان خود ثابت و استوار باشید. مقام معظم رهبری نیز در این زمینه می‌فرماید: «وقتی باور به خود بود، روحیه و شعار «ما می‌توانیم» بود، توانایی هم می‌آید و آن کشور و آن ملت هم توانا می‌شود؛ در مقابل، وقتی باور به خود نباشد، پیشرفتی هم نیست» (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=32695>).

۳.۵. امیدواری و نگاه خوش‌بینانه به آینده جمهوری اسلامی ایران

علت اینکه دشمنان تمام تلاش خود را برای ایجاد فضای ناامیدی و یأس از آینده، به یک ملت القا می‌کنند، آن است که امید یک ملت خدا باور به آینده روشن خود، تحرک‌آفرین و غرورانگیز و پیش

برنده اهداف و آرمان‌های آن ملت است. بر این اساس، رهبر معظم انقلاب نیز به‌عنوان امیدوارترین فرد به آینده درخشان نظام اسلامی از ملت و جوانان عزیز می‌خواهد که مطلقاً ناامیدی و بدبینی را به خود راه ندهند و تنها به فکر کار و تلاش برای رشد کشور باشند تا بتوانند در این جنگ نرم دشمن، پیروز میدان باشند:

عزیزان من، شرط اصلی فعالیت درست شما در این جبهه‌ی جنگ نرم، یکی از نگاه خوش‌بینانه و امیدوارانه است. ... مواظب باشید نگاهتان به آینده، نگاه بد بینانه نباشد؛ نگاه امیدوارانه باشد، نه نگاه نومیدانه. اگر نگاه، نومیدانه شد، نگاه بد بینانه شد، نگاه «چه فایده ای دارد» شد، به دنبالش، بی عملی، به دنبالش، بی تحرکی، به دنبالش، انزوا است؛ مطلقاً دیگر حرکتی وجود نخواهد داشت؛ همانی است که دشمن می‌خواهد (-[http://farsi.khamenei.ir/speech-\(content?id=7908](http://farsi.khamenei.ir/speech-(content?id=7908)).

نظام اسلامی نیز در پرتو همین نگاه خوش‌بینانه و امید به یاری پروردگار بوده که به سمت تحقق کامل اهداف اسلام، انقلاب و نظام اسلامی در حال پیشروی است و البته:

خدای متعال اراده فرموده است که این ملت را به متعالی‌ترین درجات برساند و بداندید که ان‌شاءالله ملت ایران به برکت اسلام، به برکت نظام اسلامی، بدون تردید به عالی‌ترین درجات یک ملت، در حدّ و اندازه‌ی ملت ایران خواهد رسید و بداندید که توطئه‌ی دشمن، خرابکاری دشمن، حمله‌ی دشمن، ضربه‌ی دشمن هیچ اثری نخواهد داشت (-[http://farsi.khamenei.ir/speech-\(content?id=38623](http://farsi.khamenei.ir/speech-(content?id=38623)).

نتیجه

بر اساس آنچه در این نوشتار ارائه شد، نتایج زیر به دست می‌آید:

قرآن کریم - بزرگ‌ترین هدیه الهی به مؤمنان - آن‌چنان جایگاه بصیرت را برجسته معرفی می‌نماید که آغاز حرکت پیامبر اکرم (ص) را در دوران ابتلای شدید جامعه اسلامی عصر ایشان به انواع فتنه‌های کفار و مشرکان، مبتنی بر همین بصیرت دینی و ابعاد آن می‌داند. مقام معظم رهبری (مدظله) نیز به برکت همین نورانیت باطن و لمعات و رشحه‌هایی که خدای متعال از انوار پاک انبیای الهی در وجود ایشان قرار داده، توانسته است تا نظام اسلامی را از فتن قدرت‌های کینه‌توز و سرسخت عبور دهد و بستر رشد نظام و تحقق تمدن نوین اسلامی را فراهم نماید. ایشان بصیرت را اصل و اساس و نیاز دائمی و همیشگی ملت و مسئولان نظام اسلامی معرفی می‌کنند.

میان بصیرت باعزت و یا ذلت ملت‌ها و جوامع، یک رابطه معنادار، همیشگی و استثناناپذیر وجود دارد؛ پیشرفت ملت‌ها و نظام اسلامی ریشه در بصیرت دینی ملت و مسئولان آن دارد. همچنین ذلت و خواری جوامع اسلامی کنونی و حتی ریشه وجود برخی ضعف‌ها در نظام جمهوری اسلامی ایران را هم می‌بایست در فقدان و یا ضعف بصیرت جستجو نمود.

نقش بصیرت در مقابله با فتنه‌ها و عبور موفق از آن‌ها را می‌توان شامل تبیین و تشخیص سخن و رفتار حق از باطل، شناخت حقایق جمهوری اسلامی ایران؛ شناخت دشمنان نظام اسلامی به‌عنوان جریان باطل و معاند حق؛ شناخت جریان نفاق داخلی و فتنه‌گران داخلی؛ تقویت نظام جمهوری اسلامی ایران از طریق تبعیت خالصانه از ولی فقیه زمان، هدایت عقلانی و عاطفی فتنه‌زادگان و افراد غافل در فتنه، مطالبه و تلاش برای تحقق آرمان‌های اسلام و جمهوری اسلامی؛ جهاد و مبارزه با دشمنان و تضعیف آنان از طریق حفظ وحدت ملی و مشارکت فعال مردم در سرنوشت نظام دانست.

بصیرت یک فرد و ملت ممکن است به دلیل عوامل غفلت‌زایی مثل دنیازدگی افراد و ملت‌ها و یا سیاست فریب دشمن و القای عدم دشمنی با حق، دچار ضعف شده و تشخیص حق از باطل و انجام صحیح مسئولیت ملت و جامعه اسلامی در برابر حق و باطل با مشکل مواجه شده و ملت و جامعه اسلامی را از رسیدن به مقصد باز داشته شوند. بر این اساس هر ملتی برای بصیرت‌افزایی و تقویت مداوم بصیرت خویش نیازمند پابندی به مجموعه‌ای از اصول، خط قرمزها و باید‌ها و نبایدها می‌باشد که شامل مواردی نظیر تقویت مداوم شناخت و تحلیل سیاسی، عدم خوش‌بینی و اعتماد به دشمنان، زمان‌شناسی و اقدام لازم در زمان، خودباوری و اعتماد به نفس ملی و امیدواری به آینده نظام جمهوری اسلامی می‌باشد. البته اصول بصیرت‌افزایی، منحصر به موارد یادشده نبوده و بلکه با دقت در مضمون بیانات مقام معظم رهبری (عنه‌السلام) می‌توان موارد دیگری را نیز استخراج و بررسی نمود.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۰)، *غررالحکم*، تهران: دانشگاه تهران.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان‌العرب*، بیروت: دار صادر چاپ سوم.

- انوری، حسن (۱۳۸۱)، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: انتشارات فرهنگ سخن.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۸)، ترجمه و شرح نهج‌البلاغه، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جوانی، یدالله (۱۳۸۶)، نظام سلطه در سرانثیبی سقوط، تهران: اداره سیاسی نمایندگی ولی فقیه.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۲)، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، تهران: موسسه ایمان جهادی.
- _____ (۱۳۷۹)، راهبردهای ولایت، تهران: نرسا.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸)، صحیفه امام (مجموعه آثار امام خمینی)؛ تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- _____ (۱۳۶۵)، صحیفه نور، تهران: انتشارات حفظ و نشر آثار امام خمینی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دار العلم الدار الشامیه، چاپ اول.
- رشوند، حسن، بسیج و تهدید نرم، فصلنامه امید انقلاب، شماره ۲۸، سال ۱۳۸۸.
- رودگر، محمدجواد، نقش اخلاق و معنویت در کارآمدی نظام اسلامی، مجله حکومت اسلامی، شماره دوم، سال دوازدهم، ۱۳۸۶.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، چ ۵.
- _____ (۱۳۵۳)، قرآن در اسلام، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چ دوم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصرخسرو، چ ۳.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق)، العین، قم: هجرت، چاپ دوم.
- کلانتری، علی‌اکبر (۱۳۹۳)، رویش (درآمدی بر کارآمدی نظام جمهوری اسلامی)، تهران: نشر معارف.
- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق رازی (۱۳۶۹)، کافی؛ تهران: کتابفروشی علمیه.
- مجلسی، محمد باقر (۴۰۹ق)، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- محمدی، منوچهر (۱۳۸۰)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ تهران: نشر دادگستر.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰)، التحقیق من کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶)، پیام امام امیرالمؤمنین، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- _____ (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، قم: دار الکتب الاسلامیه.
- بیانات مقام معظم رهبری در تارنمای: <http://farsi.khamenei.ir>